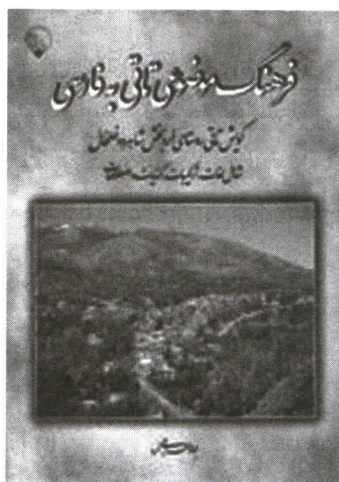


نقد و معرفی کتاب

نگاهی به فرهنگ موضوعی تاتی به فارسی

دکتر جهان دوست سبزعلی‌پور



زبان تاتی از زبانهایی است که، همانند بسیاری از گویشهای ایرانی، چنانکه باید علمی بررسی نشده است. این زبان، که جزئی از زبانهای ایرانی شمال غرب است، داخل و خارج ایران گویندگان بسیاری دارد. تحقیق درباره این زبان به دو دسته کلی تقسیم می‌شود:

الف) تحقیقاتی است که به کوشش زبان‌شناسان یا از منظری زبان‌شناختی و علمی انجام می‌گیرد. بهترین تحقیق از این نوع آثار احسان یارشاطر (رک. منابع) و تعدادی از پایان‌نامه‌ها در رشته زبان‌شناسی، فرهنگ و زبانهای باستانی، و زبان و ادبیات فارسی است.

ب) تحقیقاتی که خودِ گویشوران، بومیان، و

علاقه‌مندان انجام داده‌اند. بسیاری از آثار دیگر این حوزه و پایان‌نامه‌های گویشوران از این نوع دوم است. بیشتر مواد و پیکره زبانی نوع دوم عبارت‌اند از: واژه‌ها، اصطلاحات، ترکیبات، لغات، یا دستور زبان به شکلی غیرتخصصی. گرچه پایان‌نامه‌های بسیاری در این باره به رشته تحریر درآمده، واقعیت این است که بیشتر این آثار در کتابخانه دانشکده‌ها خاک می‌خورند و کمتر به شکل کتاب درآمده‌اند.

کتاب فرهنگ موضوعی تاتی به فارسی (گوش تاتی روستای لرد بخش شاهرود خلخال شامل لغات، ترکیبات، کنایات، و اصطلاحات؛ و اشاره‌ای کوتاه به دستور زبان)، به کوشش جواد معراجی لرد، در سال ۱۳۸۸ در انتشارات بلور رشت به چاپ رسیده است. این کتاب در قطع وزیری و جلد شمیز در ۳۰۴ صفحه، مصور (با دو عکس از روستای لرد، پشت و روی جلد) روانه بازار شده است. این فرهنگ — که تغییر یافته و تکملاً پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد نویسنده در رشته زبان و ادبیات فارسی است — دارای فهرست، مقدمه، غلام آوانگاری، و ۳۱ بخش (یعنی ۲۲۵ صفحه واژه تاتی، یک فهرست الفبایی، و نقشه‌های استان اردبیل و شهرستان خلخال) است.

چنانکه از کتاب برمی‌آید و نویسنده خود در مقدمه اشاره کرده (ص ۱۰)، در این فرهنگ بیش از ده‌هزار واژه تاتی آمده و نویسنده آن کوشیده واژه‌هایی را بیاورد که در روستای لرد — که خود نویسنده گویشور همان روستاست — به کار می‌رود و از آوردن واژه‌های دیگر گونه‌ها و روستاها به‌درستی و عالمانه پرهیز کرده است. باید افزود که گونه لردی شاهرود خلخال یکی از چند گونه معدود تاتی خلخال است که ویژگیهای کهن بسیاری را حفظ کرده و تحقیق درباره آن بسیار ارزشمند است.

آنچه در ابتدای مقدمه اثر آمده بحثی درباره ارزش زبان و گویش هر قوم و قبیله است که «بیانگر خاطرات تلخ و شیرین نیاکان ما و ترجمان گفته‌ها و شنیده‌ها و سروده‌های آنان در مراحل مختلف اعم از غم و شادی و عزا و عروسی و ... است» (ص ۶). در ادامه نویسنده، با توجه به مجموع آراء محققان و زبان‌شناسان، تاتی را شاخه‌ای از زبان پهلوی میانه — از زبانهای باستانی ایران — برشمرده است. بجا بود اگر نویسنده این موضوع را موثق به یکی از منابع علمی زبان‌شناسی می‌کرد و بدین صورت اظهار نظر نمی‌کرد. تاتی شاخه‌ای از زبان پهلوی نیست.

لغت‌نامه دهخدا، فرهنگ فارسی معین و فرهنگ فارسی عمید، و فرهنگ تاتی تالشی علی عبدلی از جمله آثاری‌اند که نویسنده از آنها بهره برده است (ص ۷)، اما معلوم نکرده که آنها را چگونه به کار گرفته است. محتمل است در ذکر معانی لغات از آنها استفاده کرده باشد، زیرا این اثر کمتر شبیه آن آثار است. نشان دادن همزه به شکل آپستروف (') باید به پیروی از فرهنگ فارسی معین باشد. روش موضوعی کردن فرهنگ را (چنانکه خود در صفحه ۸ اشاره کرده) از کتاب فرهنگ موضوعی تالشی به فارسی، اثر رضایتی کیشه‌خاله و خادمی‌ارده اخذ کرده است.

نویسنده، در ادامه مقدمه، جغرافیای منطقه را معرفی کرده و موقعیت شهرستان خلخال و مرکز آن (هروآباد) و بخشهای تابعه آن را به تفکیک آورده است. بهتر بود، به جای ذکر مختصات جغرافیایی شهرستان خلخال، مختصات یا طول و عرض جغرافیایی روستا را به دست می‌داد، که جایش در کتاب خالی است. علت انتخاب گویش یک روستا برای این موضوع نزد نویسنده «رعایت احترام به همه تات‌زبانان در اطراف و اکناف مناطق تات‌نشین و وارد نشدن به حریم تفاوت‌های گویشی» است (ص ۱۰).

روستای لرد (lord)، از توابع بخش شاهرود خلخال، چنین معرفی شده: «روستای لرد با جمعیت نزدیک به چهارهزار نفر به عنوان بزرگ‌ترین روستای شهرستان خلخال در فاصله ۲۷ کیلومتری شهر کلور مرکز بخش شاهرود و از طریق جاده شاهرود در فاصله ۶۵ کیلومتری شهر خلخال و از طریق جاده بفراجد در فاصله ۳۲ کیلومتری شهر خلخال قرار گرفته است» (ص ۱۰).

نویسنده، به دنبال این مقدمات، نامنتظره و کمی شتابزده (در ۳ صفحه‌ونیم) به مقولات دستوری گویش مورد نظر با عنوان «اشاره‌ای مختصر به مقولات دستوری» پرداخته و موارد زیر را مختصر بررسی کرده است:

الف) پیشوندهای مصدرساز؛ ب) صرف فعل در زمانهای مختلف؛ ج) ترکیب وصفی و ترکیب اضافی؛ د) علامت جمع در تاتی؛ ه) دگرگونی لغات دخیل؛ و) ضمائر و قیود و اصوات؛ ز) پسوند نسبت مکانی.

چینش و گزینشی چنین در مقولات دستوری موجه به نظر نمی‌رسد و نویسنده هم هیچ توضیحی بجز «مختصر» در عنوان این قسمت (یعنی «اشاره‌ای مختصر به مقولات دستوری») به دست نمی‌دهد. جا داشت نویسنده محترم — که خوب با مقولات دستوری آشناست — یا هیچ ویژگی دستوری را نمی‌آورد، یا چند ویژگی برتر گویش تاتی لرد، نظیر موارد زیر، را درج می‌کرد:

تمایز جنس دستوری مؤنث از مذکر. در گویش تاتی لرد تمایزی بین مؤنث و مذکر در اسم، صفات، ضمائر، و حتی افعال وجود دارد، بدین نحو که اسمهای مؤنث تاتی لردی در حالت فاعلی مفرد با پی‌بست بدون تکیه a- همراه می‌شوند و اسم مذکر در حالت فاعلی و غیرفاعلی نشانه خاصی ندارد:

مؤنث:	čəšma (چشم)	gowa (گاو)	mānga (ماه)
مذکر:	lāfən (طناب)	divâr (دیوار)	vâš (علف)

ساخت ارگتیو. در این ساخت مفعول به شکل فاعلی و فاعل یا عامل به شکل غیرفاعلی ظاهر می‌شود، و فعل از نظر شمار، جنس، و شخص به جای فاعل از مفعول تبعیت می‌کند^۱:

تو را بردند. *tə-šân bə-bard-əš*
 کبوتر را کشتم. *kutar-ə**m**-a bukušt-â*

در جملهٔ اول *tə-* (تو) مفعول است و فعل هم به دلیل مفرد بودن مفعول مفرد آمده است. در جملهٔ دوم کبوتر مفعول و مؤنث است و فعل هم به همین سبب مؤنث آمده است.

ساخت اصلی مجهول. ساخت اصلی مجهول با *ə-* در گونهٔ دروی *-i* (در زبان پهلوی *-ih-*):

پخته شد. (گونهٔ دروی: *bə-paj-ə-s* (*bə-paj-i-s*)
 دارد پخته می‌شود. (گونهٔ دروی: *paj-ə sar* (*pej-i*)

حفظ گردش مصوت. مانند:

رسیدن *ras-es-an* رساندن *râs-ân-əs-an*
 ترسیدن *tars-əs-an* ترساندن *târs-ân-əs-an*

و ویژگیهای دیگری که نشان از قدمت و کهنگی این گویش دارد در این گونه بسیار بیشتر از دیگر گونه‌های تاتی خلخال است.

علایم آوانگاری در صفحهٔ آخر مقدمه در جدولی آمده است. در این جدول واج *ž* نیز آمده و تعدادی از واژه‌های دخیل دارندهٔ آن واج – نظیر *aždâd* (اجداد)، *ežda* (اشتها)، و *aždohâ* (اژدها) – مثال آورده شده است. باید گفت که در تاتی خلخال واج *ž* رایج نیست و چنین تلفظهایی یا از زبان فارسی یا از تالشی به این گویش وارد شده است. کلمات دارای این واج مثل *mija* مژه، منیژه، و بیژن با واج *z* تلفظ می‌شود. وانگهی، در همین فرهنگ هم مژه به صورت *mija* است یعنی با واج *z* ضبط شده است.

در جدول «علایم آوانگاری» واجهای دیگری نیز آمده که درست معرفی نشده، مانند *ö* و *ü*. ذیل این جدول دربارهٔ صامت «ع» شرح درستی نیامده. بهتر بود فقط به جای «ع» می‌نوشتند «همزه». دربارهٔ همزه در این فرهنگ توضیحی نیامده، اما در آوانگاری واژه‌ها، علامت «[?]» در

۱. نگارنده در مقاله «ساخت ارگتیو در گویش تاتی خلخال» با همکاری دکتر رضایتی کیشه‌خاله به این ویژگی در شش گونهٔ تاتی خلخال از جملهٔ گویش تاتی لرد پرداخته است.

۲. در این جدول بهتر بود به جای اصطلاح «حروف» از «واج» استفاده می‌شد.

جاهایی ظاهراً به جای همزه یا مکث کوتاه آمده و آشفتگیهایی را در آوانگاری این فرهنگ به وجود آورده است.

جای پیشینه بحث فرهنگ‌نویسی درباره گویش تاتی در این کتاب بسیار خالی است. نام کتاب فرهنگ تاتی - تالشی علی عبدلی به نوعی در مقدمه رفته، ولی از فرهنگ دیگر آن نویسنده - فرهنگ تطبیقی تاتی، تالشی، آذری - اسمی به میان نیامده است. در سال ۱۳۸۵ در مؤسسه نشر هما در تهران فرهنگ موضوعی دیگری درباره تاتی خلخال در مورد گونه «دروی»، آن هم به صورت موضوعی به چاپ رسیده است. نویسنده این فرهنگ، منصوره پورداد، گویشور تاتی نیست، اما زحمت کشیده و کارش خالی از اشکال نیست. از کتابهایی که در کتابنامه آمده جای کتابهایی مانند تاتی و هرزنی و گویش کرینگان از عبدالعلی کارنگ در پیشینه بحث خالی است.

نویسنده در پیشینه تحقیق در مورد زبان تاتی خلخال می‌توانست به منابع زیر استناد کند: دو مقاله "The Tati Dialect of Kajal" و "The Dialect of Shahrood (Khalkhal)" از یارشاطر، در مورد تاتی خلخال: اولی توصیف مختصر تاتی گونه کجلی و دیگری توصیف گونه شالی. در پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی سیداکبر یحیی‌زاده (۱۳۸۲) با عنوان «بررسی زبان‌شناختی گویش تاتی شاهرود خلخال» نکات مفیدی درباره تاتی کلوری آمده است. رضایتی کیشه‌خاله و سبزه‌لیپور در مقاله «ساخت ارگتیو در گویش تاتی خلخال» (۱۳۸۶) به ذکر ویژگیهای ساخت مورد نظر در آن گویش پرداخته‌اند. سبزه‌لیپور (۱۳۸۷) در مقاله «بررسی تطبیقی پیشوندهای فعلی زبانهای گیلکی، تالشی و تاتی خلخال» پیشوندهای فعلی تاتی را شرح داده است.^۱

بعد از مقدمه، کتاب در ۳۱ بخش و یک فهرست الفبایی واژگان، به این شرح تنظیم شده: ابزارآلات، اسم و ترکیبات اسمی، اصطلاحات دامداری، اصطلاحات کشاورزی، اصوات اعداد، اعضا و احشا، انواع قید، بازیها و سرگرمیها، بیماریها و عوارض، پوشاک و زیورآلات و فرش، پیشه‌ها، تعاون و همکاری، جغرافیای طبیعی، حیوانات و حشرات، خوراکیها، خویشاوند، دشنام و نفرین، دعا و قسم، رنگها، ساختمان و مصالح، صفات و حالات، ضمائر، عروسی و مراسم مربوط به آن، کنایات و اصطلاحات، گیاهان و درختان، مصادر ساده و پیشوندی، مصادر مرکب و مرکب

۱. رساله دکتری «بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویشهای تاتی، تالشی، و گیلکی» از سبزه‌لیپور در تیرماه ۱۳۸۸ در دانشگاه گیلان به راهنمایی دکتر محرم رضایتی کیشه‌خاله و مشاوره دکتر حسن رضایی باغبیدی و علی رفیعی جیردهی دفاع شده است. ساخت فعل گونه لردی در این رساله بررسی و با دیگر گونه‌ها تطبیق داده شده است.

پیشوندی، میوه‌جات و حبوبات، واحدهای اندازه‌گیری، واژه‌ها و اصطلاحات ترکی، و فهرست الفبایی.

نویسنده در اقدام مفیدی بخشی از فرهنگ را به واژه‌های ترکی اختصاص داده است. همین تعداد واژه نیز نشان‌دهنده آن است که واژه‌های تاتی، مثل همه گویشهای اصیل ایرانی، در حال کم شدن و از بین رفتن‌اند و باید زودتر از آنکه فراموش یا نابود شوند ثبت و ضبط شوند. اما معلوم نیست دلیل ترکی دانستن بعضی از واژه‌ها چیست، زیرا نویسنده هیچ دلیلی برای ترکی دانستن این واژه‌ها به دست نداده است، تعدادی از این واژه‌ها که مؤلف ترکی فرض کرده ترکی نیستند بلکه از زبانهای ایرانی‌اند، از جمله:

bič'in (علف درو کردن). این واژه از ریشه و ماده فعلی čin- (چیدن) است. در تاتی دروی مصدر مرکب kašta-pe-čien (برداشت غله) از همین ریشه است (نیز رک. منصوری، ۱۳۸۴: ۱۰۶-۱۰۷).

piss (بد، زشت). این واژه از *paisa ایرانی باستان مشتق از ریشه pais- (رنگ کردن و نقاشی کردن و آراستن) است: در فارسی میانه pēs، پشتو pēs (جدام)، کردی pīs (کثیف چرکین)، در ترکی آذری pis-lik (جذامی)؛ (نیز رک. حسن‌دوست، ۱۳۸۳: ۳۰۴). با این همه، وقتی بخشی با عنوان واژه‌ها و اصطلاحات ترکی در فرهنگ می‌آید، بهتر است همه واژه‌های دخیل ترکی کتاب در یک بخش بیاید.

تعدادی از واژه‌های فرهنگ مدخل و سرواژه نیستند، بلکه شکل‌های تصریفی و دستوری یک واژه‌اند، مانند:

čama rā	(برای ما)	ča rā	(برای آن)
avân'k [avân-k]	(از آنها)	šâmâ'k [šâmâ-k]	(از شما)

در بخش ضمائر (ص ۱۶۲)، man به معنای «من (با افعال متعدی)» و az به معنای «من (با افعال لازم)» دانسته شده است. بهتر بود، با ملاحظه به حالت‌های فاعلی و غیرفاعلی ضمائر، man «من در حالت غیرفاعلی» و az «من در حالت فاعلی» درج می‌شد، یا اینکه با توجه به ساختِ ارگتیو در این گویش man مختص فعل‌های متعدی ماضی دانسته می‌شد.^۱

در ذکر معنای تعدادی از واژه‌ها گاهی اهمال صورت گرفته و معانی مطلق و کلی مقید به موردی خاص شده است. مثلاً âbassan «بستن بار بر پشت چهارپایان»، معنی شده است؛ در

۱. برای حالت‌های فاعلی و غیرفاعلی ضمائر در این گویش رک. رضایتی کیشه‌خاله و سبزه‌لیپور، ۱۳۸۶: ۱۰۵-۸۹.

حالی که معنی درست آن «بستن و مقید کردن» است و در مورد بستن حیوان یا انسان و موارد دیگر نیز به کار می‌رود. یا *aramandan* «در گل فرو رفتن» معنی شده در حالی که «فرو ماندن و گیر کردن» است و در برف و باتلاق و موارد دیگر نیز به کار می‌رود. *yord* به معنی «(ترکی) جایی که مردمش کوچ کرده باشند، سرزمین» آمده؛ در حالی که «چراگاه ایلات و عشایر، محل خیمه و خرگاه» معنا می‌دهد (رک. معین، ۱۳۷۵، ذیل «یورت»).

گاهی یک واژه در دو جا با معنای متفاوت آمده است، از باب نمونه، *âbərriyan* «چیدن پشم و موی گوسفندان و بز با قیچی مخصوص» معنا شده و در زیر آن دوباره همین واژه به معنی «قطع کردن آب مزرعه از سرچشمه یا بین راه» آمده است، در حالی که هر دو یک واژه با دو معنی متفاوت اند (ص ۲۱۰)؛ چنین است *tâ* (قید علت) و *tâ* (حرف اضافه) که هر دو یک واژه است (ص ۶۴).

از نکات مثبت این فرهنگ ذکر تلفظهای مختلف هر واژه است. نویسنده در این مورد بسیار وسواس به خرج داده و کوشیده است همه صورتهای آوایی موجود هر واژه را ذکر کند. بخش مصادر ساده و پیشوندی این فرهنگ از نقاط قوت آن است، زیرا در این کتاب بیش از صدونودوهفت فعل ساده و بیش از چهارصدویست فعل پیشوندی تاتی^۱ ذکر شده است. تعداد بسیاری از این افعال ریشه‌ای بسیار قدیمی دارند. چند نمونه:

مصدر *virij-ân-san* (دواندن) از ریشه *virij-* آمده که آن هم از فارسی میانه *wirēz-* و آن هم از ایرانی باستان **vi-raiça* مشتق شده است (رک. منصوری، حسن‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۲۸).
مصدر *mətan* (حرکت کردن، راه رفتن) از ریشه *jam/gam-* ایرانی باستان در فارسی باستان *gam* («آمدن»؛ رک. منصوری، ۱۳۸۴: ۳۳) مشتق شده است.

از دیگر خُسنه‌های این کتاب این است که نویسنده تا آنجا که ممکن بوده از آوردن واژه‌هایی که تلفظی مشترک با فارسی دارند دوری کرده است و هر جا کوچکترین اختلاف تلفظی احساس کرده آن را ثبت کرده است.

یکی از مسائلی که کمتر در گویش‌نامه‌های کشورمان رایج است نام‌واژه یا توپونیمی (*toponymy*) است. نام‌واژه‌ها یا واژه‌های مکانها و جایها مثلاً رودها، کوهها، تپه‌ها، و جز آن از اصیل‌ترین و دست‌نخورده‌ترین واژه‌های هر زبان‌اند. نمی‌توان آنها را از فرهنگ زبان حذف کرد. گرچه برای ناآشنایان لطفی ندارد، در تحقیقات زبان‌شناسی می‌توان از آنها استفاده کرد. نویسنده در مقدمه

۱. این عدد را نگارنده نقد با شمارش مصادر ساده و پیشوندی این فرهنگ به دست آورده است. مصادر واداری و مجهول نیز در این آمار محاسبه شده‌اند.

این فرهنگ برای معرفی روستای لرد چند نام‌واژه ذکر کرده است (ص ۱۱) و بهتر بود وی بخشی از کتاب را به همین موضوع اختصاص می‌داد و نام کوهها، دشتهها، تپهها، و گردنه‌ها را می‌آورد. بخش بازیها و سرگرمیها از بخشهای خوب این کتاب است. تعداد ۶۸ واژه تاتی مربوط به بازیها در این بخش با معنا آمده است. پرداختن به این موضوع و جمع‌آوری واژه‌های مربوط به بازی و همبسته‌ها و وابسته‌های معنایی آن خود تحقیق جداگانه‌ای است. این کار، که علاوه بر زبان‌شناسی به حوزه فرهنگ مردم و جامعه‌شناسی نیز مربوط است، کار پرزحمتی است که نویسنده کتاب آن را انجام داده است. مانند:

چرتی چرتی čart čarti: نوعی گردوبازی با کشیدن یک دایره به قطر تقریبی سه متر و چیدن چند گردو در مرکز آن به طور مساوی از طرف بازیکنان و با پرتاب آشق (← ابزار) به طرف گردوها و بیرون کردن آنها از دایره به نفع خود (ص ۷۰).

غلطهای چاپی کتاب بسیار اندک است و به‌ویژه در آوانویسی واژه‌ها دقت فراوانی شده است. در صفحه ۱۰ کتاب، به جای «سیاورود»، «سیاهورود»، و به جای «دانسفان»، «دانشقان» آمده است. در صفحه آخر کتاب سطر ۷، به جای «تبریز»، «نیریز» آمده است. کتابنامه آخر کتاب اشکالاتی دارد و با دقت تنظیم نشده است، کتاب‌شناسی بعضی از منابع از جمله منابع ۳، ۸، ۹، و ۱۸ ناقص است. در کتابنامه منابعی آمده که ارجاع به آنها یا ذکر مطالبی از آنها در کتاب یافت نمی‌شود.

کلام آخر

با وجود اینها، فرهنگ موضوعی تاتی به فارسی محاسن و نقاط قوت بسیاری دارد و یکی از کتابهای مفید در مورد تاتی خلخال است. دقت و وسواس نویسنده در بسیاری از جاهای کتاب در خور قدردانی است. هر که یک بار کتاب را بخواند یا تورق کند متوجه خواهد شد که برای واژه واژه آن کتاب تلاش شده است. امیدواریم نویسنده توانای کتاب نکات این نقد را، در صورت صحت، در چاپ بعدی اصلاح کند و درباره گویش تاتی آثار دیگری پدید آورد.

منابع

- پورداد، منصوره، ۱۳۸۵. گویش تاتی از زبان آذری. نشر هما، تهران.
 حسن‌دوست، محمد، ۱۳۸۳. فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی. زیر نظر دکتر بهمن سرکاراتی (ج ۱: آ-ت)، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران.

- رضایتی کیشه‌خاله، محرم و ابراهیم خادمی‌ارده، ۱۳۸۷. فرهنگ موضوعی تالشی به فارسی (شامل لغات، ترکیبات و کنایات تالشی مرکزی)، انتشارات دانشگاه گیلان.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم و جهان‌دوست سبزه‌علی‌پور، ۱۳۸۶. «ساخت ارگتیو در گویش تاتی خلخال»، فصلنامه ادب‌پژوهی، س ۱، ش ۱، ۸۹-۱۰۵.
- سبزه‌علی‌پور، جهان‌دوست، ۱۳۸۷. «بررسی تطبیقی پیشوندهای فعلی زبانهای گیلکی، تالشی و تاتی خلخال»، ارائه‌شده در همایش علمی نکوداشت استاد احمد سمیعی (گیلانی)، دانشگاه گیلان.
- _____، ۱۳۸۸. «بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویشهای تاتی (خلخال) تالشی و گیلکی»، پایان‌نامه دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان.
- عبدلی، علی، ۱۳۶۳. فرهنگ تاتی و تالشی. انتشارات دهخدا، بندرانزلی.
- _____، ۱۳۸۰. فرهنگ تطبیقی تالشی تاتی و آذری. شرکت سهامی انتشار، تهران.
- معراجی لرد، جواد، ۱۳۷۷. «زبان تاتی در شاهرود خلخال»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد مرکزی.
- _____، ۱۳۸۸. فرهنگ موضوعی تاتی به فارسی (گویش تاتی روستای لرد بخش شاهرود خلخال شامل لغات، ترکیبات، کنایات، و اصطلاحات و اشاره کوتاه به دستور زبان). انتشارات بلور، رشت.
- معین، محمد، ۱۳۷۵. فرهنگ فارسی. انتشارات امیرکبیر، تهران.
- منصوری، یدالله، ۱۳۸۴. بررسی ریشه‌شناختی فعلهای زبان پهلوی (فارسی میانه زردشتی). فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران.
- منصوری، یدالله و جمیله حسن‌زاده، ۱۳۸۴. بررسی ریشه‌شناختی افعال در زبان فارسی. زیر نظر دکتر بهمن سرکاراتی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران.
- یحیی‌زاده، سیداکبر، ۱۳۸۲. «بررسی زبان‌شناختی گویش تاتی شاهرود خلخال»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه شیراز.

Yarshater, E., 1959. "The Dialect of Shahrood (Khalkhal)", *BSOAS*, 22: 52-68.

_____ , 1960. "The Tati Dialect of Kajal", *BSOAS*, 23: 275-286.